



An Evaluation of the Basics of Revelational Thematic Interpretation Style

Mohsen Ghamarzadeh¹

Nasim Teymouri²

Received: 26/05/2022

Accepted: 03/09/2022

Abstract

Researchers have dealt with the thematic interpretation (of the Qur'an) from various perspectives, which resulted in the creation of different methods in this interpretation style. One of the procedures that has attracted the attention of the scientific community in the current era is the revelational interpretation style. Since this procedure claims to discover the methods of institutionalization of Qur'anic teachings, its effectiveness has been examined in this paper. For this purpose, first of all, the basics of this procedure are considered, which are "legitimacy and permissibility of interpretation in the order of descent", "the availability of the order of descent", "the wisdom of the Qur'an in its content and method", "coherence of verses and surahs", "non-conflict of the revelational interpretation with the belief in devotion of verses and surahs in the formal Holy Qur'an" and "the words of the Qur'an as being verbal". Then, they are evaluated under the titles of "The illegitimacy of interpretation according to the order of revelation", "The lack of influence of the order of revelation in the understanding of God's purpose", "Uncertainty about the order of surahs", "Changes in the Qur'an", "Difficulty in finding the main axis of each surah" in a descriptive-analytical method and leads to the relative efficiency of this interpretation procedure. However, it needs explanation and serious revision in some of its basics.

Keywords

Thematic interpretation, thematic procedure of revelation, evaluation of revelational basics, revelation order.

1. Assistant Professor and Director of the Qur'an and Hadith Fiqh Center at the Jurisprudential Center of Pure Imams. Qom. Iran (corresponding author). ghamarzadehm@gmail.com.

2. Islamic Seminary Student in Level 4, Kawsar Higher Education Institute. Tehran. Iran. nasitey@gmail.com.

* Ghamarzadeh, M., & Teymouri, N. (2022). An Evaluation of the Basics of Revelational Thematic Interpretation Style. *Journal of Qur'anic Sciences Studies*, 4(12), pp. 51-76.

DOI:10.22081/JQSS.2022.64057.1194

تقييم مباني أسلوب التفسير الموضوعي التنزيلي

نسليم تيموري^٢

محسن قمر زاده^١

تاريخ القبول: ٢٠٢٢/٠٩/٠٣

تاريخ الاستلام: ٢٠٢٢/٠٥/٢٦

الملخص

بحث العديد من المحققين في التفسير الموضوعي من زوايا مختلفة، وكانت حصيلة بحوثهم هذه إبداع طرق مختلفة في هذا المنهج التفسيري وأحد المسالك التي حظيت باهتمام الأوساط العلمية في العصر الحاضر هو أسلوب التفسير الموضوعي التنزيلي ولما كان هذا المسلك يدعي الكشف عن أساليب تثبيت التعاليم القرآنية، فقد قامت هذه المقالة بالبحث عن مدى كفاءة هذا المسلك وانطلاقاً من هذا الهدف فقد ابتدأت المقالة بالإشارة إلى مباني هذا المسلك التي هي (مشروعية وجواز التفسير بترتيب النزول) و (إمكان التوصل إلى ترتيب النزول) و (حكمة القرآن في المحتوى والأسلوب) و (انسجام الآيات والسور) و (عدم تناقض التفسير التنزيلي مع القول بتوقيفية الآيات والسور في المصحف الرسمي)، و (منطوقية كلام القرآن) ثم تنتقل المقالة لتقييم هذا المسلك بأسلوب وصفي تحليلي وتحت عناوين (عدم مشروعية التفسير بترتيب النزول) و (عدم تأثير ترتيب النزول في فهم المراد الإلهي) و (عدم الاطمئنان بترتيب السور) و (تغيير القرآن) و (صعوبة معرفة المحور الأصلي لكل سورة) وكانت نتيجة البحث هي الكفاءة النسبية لهذا المسلك التفسيري، وإن كان لا يخلو من حاجته إلى التنقيح والمراجعة الجادة لبعض مبانيه.

المفردات المفتاحية

التفسير الموضوعي، المسلك الموضوعي التنزيلي، تقييم المباني التنزيلية، ترتيب النزول.

١. أستاذ مساعد ومدير مجموعة فقه القرآن والحديث في المركز الفقهي للأئمة الأطهار عليهم السلام. قم. إيران (الكاتب المسؤول).
ghamarzadehm@gmail.com
 ٢. طالب السطح الرابع في مجمع الكوثر للتعليم العالي. طهران. إيران.
nasitey@gmail.com
- * قمر زاده، محسن؛ تيموري، نسليم. (٢٠٢٢). تقييم مباني أسلوب التفسير الموضوعي التنزيلي. مجلة دراسات العلوم القرآنية (فصلية علمية - محكمة)، ٤(١٢)، صص ٥١-٧٦.
DOI:10.22081/JQSS.2022.64057.1194

ارزیابی مبانی سبک تفسیر موضوعی تنزیلی

محسن قمرزاده^۱

نسیم تیموری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۲

چکیده

محققان از منظرهای گوناگونی به تفسیر موضوعی پرداخته‌اند که حاصل آن ابداع شیوه‌های متفاوت در این سبک تفسیری است. یکی از رویه‌هایی که در عصر حاضر نظر جامعه علمی را به خود معطوف ساخته، سبک تفسیر موضوعی تنزیلی است. از آنجاکه این رویه، مدعی کشف روش‌های نهادینه‌سازی آموزه‌های قرآنی است، بررسی میزان کارایی آن در این مقاله بررسی شده است. بدین منظور ابتدا به مبانی این رویه که عبارت است از «مشروعیت و جواز تفسیر به ترتیب نزول»، «امکان دستیابی به ترتیب نزول»، «حکیمانانه‌بودن قرآن در محتوا و روش»، «انسجام آیات و سوره»، «عدم تعارض تفسیر تنزیلی با قول توقیفیت آیات و سوره در مصحف رسمی» و «گفتاری‌بودن کلام قرآن» اشاره می‌شود و سپس تحت عناوین «عدم مشروعیت تفسیر به ترتیب نزول»، «عدم تأثیر ترتیب نزول در فهم مراد الهی»، «عدم اطمینان به ترتیب سوره»، «تغییر قرآن»، «دشواری یافتن محور اصلی هر سوره» به روش توصیفی - تحلیلی ارزیابی می‌شود که حاصل آن کارآمدی نسبی این رویه تفسیری است؛ هرچند نیازمند تنقیح و بازنگری جدی در برخی از مبانی آن است.

کلیدواژه‌ها

تفسیر موضوعی، رویه موضوعی تنزیلی، ارزیابی مبانی تنزیلی، ترتیب نزول.

۱. استادیار و مدیر گروه فقه قرآن و حدیث مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم‌السلام). قم. ایران (نویسنده مسئول).

ghamarzadehm@gmail.com

nasitey@gmail.com

۲. دانش‌پژوه سطح ۴ مجتمع آموزش عالی کوثر. تهران. ایران.

* قمرزاده، محسن؛ تیموری، نسیم. (۱۴۰۱). ارزیابی مبانی سبک تفسیر موضوعی تنزیلی. فصلنامه علمی - ترویجی

DOI:10.22081/JQSS.2022.64057.1194

مطالعات علوم قرآن، ۴(۱۲)، صص ۵۱-۷۶.

دو نوع سبک کلان در حوزه تفسیر قرآن مطرح است؛ تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی. امروزه به دلیل ارتقای سطح فکری جوامع انسانی در درک معارف عالی همچین ظهور نحله‌های مختلف اعتقادی و بروز مسائل و شبهات نوپدید، اشتیاق اقشار مختلف به‌ویژه قشرهای جوان و تحصیل کرده برای شناخت دیدگاه قرآن در مسائل فردی و اجتماعی رو به افزایش است. شناخت دیدگاه و نظریه قرآنی از طریق تفسیر موضوعی حاصل می‌شود؛ چراکه در این سبک تفسیری است که آیات مرتبط با موضوعی خاص از سراسر قرآن جمع‌آوری و یکجا بررسی می‌شود تا دیدگاه قرآن در آن موضوع خاص مشخص و ابعاد آن کشف گردد (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۸؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ص ۳۲)؛ از این رو عصر حاضر، دوران شکوفایی این سبک تفسیری است و محققان به دنبال رفع نواقص و تکمیل و ارتقای این سبک تفسیری، تلاش‌های فراوانی کرده‌اند که حاصل آن ابداع رویه‌های متنوع در سبک تفسیر موضوعی است. مراد از رویه، سلسله گام‌های متوالی و مرتبط با هم، به منظور تحقق یک هدف است (رابینز، ۱۳۸۴، ص ۹۵). رویه درحقیقت راهنمای عمل است که بر پایه آن یک فعالیت مشخصی به اجرا گذاشته می‌شود (کونتز، ۱۳۷۹، ص ۱۸۳). منظور از رویه در اینجا، مجموعه روش‌ها و رویکردهایی است که محققان برای به‌دست‌آوردن نظر قرآن در یک موضوع خاص در سبک تفسیر موضوعی به کار می‌برند. یکی از رویه‌های مطرح در تفسیر، رویه تنزیلی است که به دو سبک ترتیبی و موضوعی قابل تصور است که به دلایل برشمرده شده، این نوشتار به سبک تفسیر موضوعی - تنزیلی می‌پردازد. شایان ذکر است با وجود اینکه رویه مذکور قدمتی به بلندای عصر نزول دارد، بعد از فترتی طولانی در قرن حاضر دگربار مطرح و کارهای علمی بسیاری بر مبنای آن شکل گرفته است؛ از این رو ارزیابی مبانی این رویه ضروری می‌نماید، به‌خصوص که به دلیل نوظهور بودن این رویه، مبانی و پیش‌فرض‌های ذهنی محقق تنزیلی نیز گاهی به‌طور کامل شمارش نشده و چون قانونی نانوشته در ذهن محقق تنزیلی وجود دارد و این امر، اهمیت پرداختن به مبانی این رویه تفسیری و ارزیابی آن را دوچندان می‌کند. نوشتار حاضر در تلاش است مبانی رویه تنزیلی از

سبک تفسیر موضوعی را بکاود و با ارزیابی آن به نقاط قوت و ضعف آن واقف آید. امید که گامی در جهت ارتقای این رویه تفسیری برداشته شود.

۱. پیشینه

تفسیر به ترتیب نزول قدمتی به قدر نزول قرآن دارد و صاحب نظران بر این باورند که قدمت این رویه به عصر نزول وحی بازمی گردد و مستنداتش نیز از عملکرد اهل بیت علیهم السلام - در رأس ایشان مصحف امیر مؤمنان - ارائه داده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۳۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۲۶ و ۳۸ و ج ۸۹، ص ۴۰)؛ ولی تفسیرنگاری به دو صورت تفسیر تنزیلی - ترتیبی و تفسیر تنزیلی - موضوعی را می‌توان محصول سده چهاردهم هجری دانست.

این رویه تفسیری ابتدا بیشتر در جامعه اهل سنت و به صورتی ترتیبی به کار گرفته شد. از آثار ترتیبی - تنزیلی میان اهل سنت می‌توان به تفسیر کامل قرآن از «عبدالقادر ملا حُوَیث آل غازی» در سه جلد در سال ۱۳۸۳ق، همچنین کتاب دیگر ایشان با عنوان بیان المعانی در شش جلد در سال ۱۳۸۸ق اشاره کرد. همچنین در این دوران، تفسیری کامل از قرآن در ده جلد، اثر «محمد عزه دروَرَه» به صورت تنزیلی - ترتیبی در بیروت چاپ شد که مؤلف به مناسبت به فوائد این سبک تفسیری و نواقص سایر سبک‌ها اشاره می‌کند (دروزه، ۱۳۸۳ق، ج ۱، ص ۱۴۲-۱۴۷).

از آثار شیعی معاصر در تفسیر ترتیبی - تنزیلی می‌توان به کتاب سیر تحول قرآن اثر «مهدی بازرگان» در سال ۱۳۶۵ اشاره کرد. کتاب همگام با وحی: تفسیر به ترتیب نزول اثر «عبدالکریم بهجت پور» در سال ۱۳۹۰ از دیگر آثار شیعی در این زمینه است. کتاب دیگر ایشان با عنوان تفسیر به ترتیب نزول: مبانی، اصول، قواعد، فوائد در سال ۱۳۹۲، تلاشی شایان ذکر از ایشان جهت ارائه نظام مند مبانی و قواعد رویه تنزیلی است. شرحی بر قرآن به ترتیب نزول اثر سیدرضا نیازمند در سال ۱۳۹۰ از دیگر آثار شیعی در تفسیر ترتیبی تنزیلی است که نویسنده در آن آیات قرآن را در دو جلد و به تفکیک سوره‌های مکی و مدنی همراه با وقایع زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شرح می‌دهد.

اما در تفسیر موضوعی - تنزیلی با وجود جستجوی فراوان در آثار علمی اهل سنت و

سایت‌های مقالات نور، علم‌نت و همچنین وبلاگ‌های اهل سنت نظیر وبلاگ عقیده، اثری در سبک تفسیر تنزیلی - موضوعی یافت نشد.

از میان آثار شیعه در تفسیر موضوعی - تنزیلی می‌توان به آثاری همچون روش طرح توحید در قرآن (سال ۱۳۸۹)، روش کشف الگوی مهندسی فرهنگی کشور (سال ۱۳۹۳) از عبدالکریم بهجت‌پور به‌عنوان صاحب‌نظر در این سبک تفسیری اشاره کرد. آثاری همچون مطالعه و بررسی خلافت در قرآن به سبک تنزیلی اثر عبدالله غلامی در سال ۱۳۹۱، فرایند دولت‌سازی نبوی در سوره‌های مکی مبتنی بر تفسیر تنزیلی اثر غلام‌رضا بهروزی‌لک و محمدرضا رنجبر در سال ۱۳۹۷ از دیگر آثار این سبک تفسیری است.

غیر از کتاب‌ها و آثار تفسیری، انعکاس غیر تفسیری رویه تنزیلی را می‌توان در دو زمینه مباحث نظری و مباحث تاریخی در آثار شیعه و سنی مشاهده کرد. از جمله آثار غیر تفسیری که به مبحث تنزیلی پرداخته، کتاب تفسیر و مفسران از استاد محمدهادی معرفت در سال ۱۳۷۹ است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان پس از بررسی روایات نزول به فوائد علم به ترتیب نزول در مباحث مربوط به دعوت نبوی، سیر روحی و سیاسی و اجتماعی زمان پیامبر ﷺ اشاره و راه‌حلی برای شناخت جداول ترتیب نزول ارائه می‌کند (طباطبایی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، صص ۱۳۳-۱۳۵). بحث از ترتیب نزول سوره‌ها در سخن دانشمندانی همچون زرکشی در البرهان فی علوم القرآن (۱۴۱۰ق)، سیوطی در الاتقان (بی‌تا) نیز ملاحظه می‌شود. سیوطی در کتاب ترتیب سور القرآن ترتیب سوره‌ها در مصحف امیرالمؤمنین را براساس ترتیب نزول می‌داند و اولین سوره آن را سوره علق ذکر می‌کند (سیوطی، بی‌تا، ص ۳۱).

شایان ذکر است تفسیر تنزیلی به دو روش زمان‌محور و روایت‌محور صورت می‌پذیرد. محققان در روش زمان‌محور به دنبال کشف مستندات و شواهد برای زمان دقیق نزول آیات هستند. از پژوهشگران این روش که «کرونولوژی» یا «تاریخ‌گذاری» نام دارد، می‌توان به «گوستاو وایل» با کتاب نقد تاریخی قرآن در سال ۱۸۴۴م اشاره کرد. خاورشناسانی همچون «ریچارد بل»، «هیوبرت گریم»، «آلوئیس اشپرنگر»، «درنبرگ»، «رژی بلاشر» از دیگر محققانی هستند که به این موضوع پرداخته‌اند. در ایران نیز مهدی

بازرگان در تفسیر پا به پای وحی که در دو جلد و در سال ۱۳۷۴ انتشار یافته به این موضوع پرداخته است. کتاب درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن اثر جعفر نکونام در سال ۱۳۸۰ نیز به تعیین تاریخ نزول آیات و سوره‌های قرآنی با بررسی روایات مختلف اسباب نزول، ترتیب نزول و سیره نبوی پرداخته است (نکونام، ۱۳۸۰، ص ۱۲). در روش روایت‌محور، مستند کار پژوهشگر، روایاتی است که ترتیب نزول سوره‌ها را بیان می‌کند که در آثاری همچون سیر فرهنگ‌سازی پوشش اسلامی (سال ۱۳۹۶) از عبدالکریم بهجت پور تبلور داشته است.

نمودار انعکاس کمی رویه تنزیلی که اثر دیگر نگارنده با همکاری «عطیه‌السادات یزدی‌خواه» و در مقاله «انعکاس سبک تفسیر تنزیلی در آثار فریقین؛ گستره و آثار» (سال ۱۴۰۰) آمده است، گستره آثار فریقین را در این رویه تفسیری به نمایش می‌گذارد.

۲. مبانی

«مبانی» جمع مبنا و در لغت به معنای بنیاد، شالوده، بنیان و اساس است (دهخدا، ۱۳۲۵، ج ۱۲، ص ۱۷۷۵۹). مبانی تفسیری به آن دسته از پیش‌فرض‌ها، اصول موضوعه و باورهای اعتقادی یا علمی گفته می‌شود که مفسر با تکیه بر آنها به تفسیر قرآن می‌پردازد. برخی از «مبانی» تفسیری عام‌اند و متعلق به رویه‌ای خاص نیستند؛ اما برخی مبانی و پیش‌فرض‌ها، اختصاص به یک رویه دارند و کشف آنها می‌تواند ملاکی برای کارآمد بودن آنها باشد. رویه تنزیلی از سبک تفسیر موضوعی نیز از این قاعده مستثنی نیست و مانند سایر رویه‌ها بر پیش‌فرض‌ها و مبانی استوار است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

۲-۱. مشروعیت و جواز

از اصلی‌ترین و مهم‌ترین پیش‌فرض‌های محقق تنزیلی مشروعیت و جواز بهره‌گیری از این رویه تفسیری است که در دو قالب تدرج‌محور بودن تربیت و کاربست تفسیر موضوعی تنزیلی بدان پرداخته می‌شود.

۲-۱-۱. تدرج محوری، لازمه تربیت

محقق در رویه تنزیلی هدف اصلی و کلان قرآن را به تصریح برخی آیات (تکویر، ۲۷-۲۸؛ اسراء، ۹)، هدایت می‌داند؛ هدایتی که با توجه به آیه اول سوره ابراهیم «کِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» تنها ارائه طریق نیست و به منظور ایجاد تحول معرفتی و خروج از جهالت و ظلمت به سمت هدایت و نور صورت می‌پذیرد؛ همچنان که برخی محققان تصریح کرده‌اند رسالت کلی قرآن، افزون بر هدایت شناختی، تربیت عملی و ایجاد تحول ریشه‌دار و همه‌جانبه فردی و اجتماعی است (حکیم، ۱۴۲۵ق، ص ۴۹؛ مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲، ج ۲، صص ۲۳-۴۴). این هدف مستلزم نزول تدریجی قرآن است، زیرا تحول معرفتی و تربیت نفس، امری آنی و دفعی نیست و بایستی به تدریج و با گذر زمان به سامان برسد. فرد پس از دریافت معارف، باید آن را درک کند تا بتواند در عمل به کار گیرد و بدین ترتیب از لحاظ روحی و ادراکی برای آموزش‌های بعدی آماده شود. برخی مفسران معتقدند اگر قرآن یکجا نازل می‌شد، باید یکجا هم اجرا می‌شد که امری محال است. همچنان که کودک بی‌سواد، یک‌روزه باسواد نمی‌شود، جامعه فاسد نیز یک‌روزه اصلاح نمی‌شود؛ قرآن نیز در یک شب نمی‌تواند جامعه عصر خود را دگرگون سازد. لازم است به تدریج نازل شود تا به خوبی توسط افراد، فهم و اجرا گردد و دچار تزلزل نشود (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۲، ص ۳۱۷؛ قمی‌مشهدی، ۱۴۲۳ق، ج ۷، ص ۵۳۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۶۸۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۲۲۰).

محقق تنزیلی بنابر این مبنا معتقد است مفسر آن گاه به مراد الهی واقف می‌گردد که در سبک بیانی قرآن تأمل و گام‌های مورد نیاز برای این تحول درونی را استخراج کند (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۸۷). توجه به سیر تبلیغی حضرت رسالت ﷺ روشن می‌سازد خداوند متعال طبق حکمتی که دارد حضرت را در مناسبت‌های مختلف مأمور به این امر می‌کند و از تعجیل در ابلاغ که از رحمت و اشتیاق بی‌حصر او در هدایت مردم نشئت می‌گرفته، بر حذر می‌دارد (دروزه، ۱۳۸۳ق، ج ۱۱، ص ۴۷۵). روایات متعددی مؤید این مطلب‌اند (ر.ک: بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۷۴۲؛ ابن‌ماجه، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۵۲).

۲-۱-۲. کاربست تنزیلی

محقق تنزیلی یکی از دلایل مشروعیت و جواز تفسیر به ترتیب نزول را کاربست این رویه تفسیری در کلام و فعل معصومان می‌داند. او بر این باور است که حضرات معصوم علیهم‌السلام به تفسیر به ترتیب نزول ترغیب و تشویق کرده‌اند. برای نمونه امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «لو قرء القرآن کما انزل لالفتنا فیه مسمین؛ اگر قرآن آن گونه که نازل شده، خوانده می‌شد، با اسم ما (ویژگی‌ها و صفات) در قرآن الفت می‌یافتید» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۱۳). نمونه دیگر را در سخن امیر مؤمنان علیه‌السلام در توصیف مردم آخرالزمان در باب تعلیم قرآن می‌توان یافت که می‌فرماید: «کأنی أنظر الی شیعتنا بمسجد الکوفه وقد ضربوا الفساطیط، یعلمون الناس القرآن کما انزل؛ گویا به شیعیانمان در مسجد کوفه نگاه می‌کنم که چادرهایی را بر پا کرده‌اند و در آنها قرآن را به شیوه‌ای که نازل شده به مردم تعلیم می‌دهند» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۱؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۳۹۶). از این فرمایش مولای متقیان این گونه برداشت می‌شود که شیوه مطلوب اهل بیت علیهم‌السلام در زمانی که اختیار با ایشان است، این رویه است. در روایتی حضرت ختمی مرتبت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «لوان الناس قرؤ القرآن کما انزل ما اختلف اثنان؛ اگر مردم قرآن را همان گونه که نازل شده، بخوانند حتی دو نفر اختلاف نمی‌کنند» (قمی، ۱۳۶۷ق، ج ۲، ص ۴۵۱).

محقق تنزیلی معتقد است معصومان علیهم‌السلام در عمل نیز تفسیر به ترتیب نزول را به کار گرفته‌اند؛ برای نمونه ابوحنیفه با استناد به روایتی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره رد حکم متعه و نسخ آیه ۵ و ۶ سوره مؤمنون (وَالَّذِينَ هُمْ لِأَعْتَابِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ) از مؤمن الطاق سؤال کرد. او در پاسخ گفت: «یا اباحنیفه، إن سوره سأل سائل مکیة و آیه المتعة مدینة و روایتک شاذة ردیة؛ ای ابوحنیفه! سوره معارج مکی است و آیه متعه (سوره نساء) در مدینه نازل شده است و اما روایتی که از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره نسخ حکم ازدواج موقت گفته‌ای، غیر منقول و مردود است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۵۰). همان‌طور که ملاحظه شد یکی از اصحاب برای اثبات عدم نسخ حکم ازدواج موقت به ترتیب نزول متوسل شده است. در مثالی دیگر هنگامی که عبدالرحمن در مورد عفو در آیه ۲۱۹ سوره بقره (وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ) از

امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند، امام به آیه ۶۷ سوره فرقان (وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا) اشاره کرده، می‌فرماید این آیه بعد از آن آیه نازل شده است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۸). شایان ذکر است نه تنها اهل بیت علیهم السلام در موارد بسیاری از قبیل نسخ، تقیید آیات یا تبیین حکمی از احکام به ترتیب نزول توجه داده‌اند، بلکه تفسیرنگاری بر این ترتیب نیز مورد نظر ائمه اطهار علیهم السلام بوده است (بهجت پور، ۱۳۹۲، ص ۱۸۴). شاید بالاترین کاربردست تنزیلی در مصحف امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام جلوه‌گر باشد. حضرت آموزه‌های قرآنی خویش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در این مصحف شریف که به نوعی تفسیری مزجی است، گرد آورده و علاوه بر ترتیب نزول سوره‌ها، به اسباب نزول آیات (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۹، ص ۴۳)، اشخاصی که آیات در مورد آنان نازل شده، مکان و زمان نزول و ناسخ و منسوخ اشاره فرموده است (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۹۲؛ بهجت پور، ۱۳۹۲، ص ۲۹).

۲-۲. امکان دستیابی به ترتیب نزول

یکی از مبانی اصلی محقق در رویه تنزیلی امکان دستیابی به ترتیب نزول است که به دو شیوه امکان‌پذیر است: نخست شیوه روایی که در آن برای تعیین مرتبه نزولی سوره‌ها و آیات استثنایی از روایات بهره گرفته می‌شود. شیوه روایی یا زمان‌محور است و براساس زمان نزول، ترتیب آیات و سوره‌ها مشخص می‌گردد یا روایت‌محور است و روایات منقول در این زمینه راهنمای محقق قرار می‌گیرند. از گروه روایت‌محور، برخی صاحب‌نظران همچون آیت‌الله محمدهادی معرفت روایت منقول از عطاء خراسانی از ابن عباس را معتبر می‌دانند و به آن اکتفا می‌کنند (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، صص ۹۹-۱۰۳؛ نکونام، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵) و برخی دیگر از صاحب‌نظران همچون استاد عبدالکریم بهجت پور به روایت مذکور اکتفا نکرده، از ترکیب روایات و جداول منقول با اجتهاد خویش به ترتیب و جدولی تلفیقی رسیده‌اند که امروزه مرجع بسیاری از محققان گشته است (بهجت پور، ۱۳۹۲، ص ۲۵۲).

شیوه دوم دستیابی به ترتیب نزول آیات، اجتهاد است که براساس شاخصه‌های

غیرنقلی صورت می‌پذیرد. علامه طباطبایی در این زمینه بر این باور است که تنها راه تشخیص ترتیب سوره‌ها و مکی و مدنی بودن آنها، تأمل در مضامین آنها و در نظر گرفتن شرایط و اوضاع نزول است؛ چنان‌که مفاد سوره انسان، عادیات و مطففین گواه بر مدنی بودن آنها است (طباطبایی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۱۱).

۲-۳. حکیمانه بودن قرآن در محتوا و روش

معارف اسلامی و در رأس آن آیات قرآن موافق با فطرت انسانی‌اند؛ همان‌طور که آیه ۳۰ سوره روم بیانگر آن است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند».

این مبنا اقتضا می‌کند «انسان» مخاطب قرآن باشد نه «عربیت». قرآن با زبان عربی، سرشت انسان‌ها را مخاطب قرار داده است؛ اما آنچه بیان داشته در حصار تنگ جامعه معاصران نزول محبوس نمی‌ماند؛ زیرا محتوا و روش‌های تغییر و تحول، مطابق فطرت بشری است و اصل بر عمومیت آنها است، مگر دلیلی بر انحصار هریک از آنها به جامعه عصر نزول یافت شود (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۵۳).

طبق آیه ۶ سوره نمل «وَإِنَّكَ لَتَلَقَّى الْفُؤَادَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ» به یقین این قرآن از سوی حکیم و دانایی بر تو القا می‌شود» قرآن کریم ترکیبی از دانش بی‌انتهای خدا و اتقان و محکم‌کاری او در القای آیات بر رسول اکرم ﷺ است که این احکام هم شامل تعالیم قرآن و مفاهیم آن می‌شود، هم شامل روش عرضه آیات و معارف آن.

آیه اول سوره مبارکه هود به نمونه‌ای از روش عرضه اشاره دارد: «كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ» این کتابی است که آیاتش استحکام یافته، سپس تشریح شده و از نزد خداوند حکیم و آگاه (نازل گردیده) است. واژه «ثم» در آیه، مرحله تفصیل را پس از مرحله احکام قرار داده و به این ترتیب یکی از حکمت‌های

حاکم بر نزول تدریجی که بیان اجمالی و تفصیلی باشد، آشکار می‌گردد. توضیح آنکه مراد از «احکمت» بیان مجمل و بدون تفصیل است که در بسیاری از سوره‌های ابتدایی یا در ابتدای سوره‌ها رخ داده و مراد از «فصلت» تفصیل همان مطالب در قسمت انتهایی سوره‌ها یا سوره‌های انتهایی است؛ برای نمونه شواهد ربوبی پروردگار در اولین سوره نازل شده که سوره علق است، به اختصار آمده و در هشتمین سوره نازل شده که سوره اعلی است، به تفصیل بیان شده است. در سوره‌های بعد از آن نیز سایر ابعاد همچون خلقت، هدایت، تسویه و تقدیر با مثال‌های گوناگون شرح داده شده است؛ همچنان که در بسیاری از سوره‌های قرآن، در ابتدا اشاره کلی به غرض هدایتی سوره شده و در ضمن آیات سوره، آن غرض، شرح و تفصیل داده شده است. بنابر آنچه بیان شد، هم محتوا و هم ساختار قرآن حکیمانه است و بخشی از مرادهای حق تعالی از راه شناخت ترتیب نزول سوره‌ها و شناخت روش‌های انتقال معارف در جامعه درک می‌شود. درحقیقت لازمه عملیاتی کردن رسالت قرآن که هدایت و تعالی انسان‌ها است، آشنایی با روش‌های نهادینه کردن آموزه‌های قرآنی است که آن هم به واسطه مذاقه در ترتیب نزول آیات و کشف راه‌های تحول دینی صورت می‌گیرد (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۷۶).

۲-۴. انسجام آیه‌ها و سوره‌ها

محقق تنزیلی بر این باور است که با توجه به رسالت پیامبر ﷺ و سیر طبیعی نزول سوره‌ها، نوعی هماهنگی و تناسب حکیمانه بین سوره‌ها حاکم است که سیاق سوره‌ها را تشکیل می‌دهد. این تناسب اقتضا دارد تفسیر به ترتیب نزول صورت پذیرد تا مراد الهی به‌طور کامل درک شود. در راستای کشف این تناسب، توجه به موضوع محوری هر سوره، غرض و مقصود آن و گام‌های تحولی که هر سوره دنبال می‌کند، ضروری است. همچنین محقق تنزیلی معتقد است افزون بر تناسب بین سوره‌ها، بین آیات یک سوره نیز تناسب وجود دارد. «توقیفی بودن آیات هر سوره»، «حکیمانه بودن ترتیب نزول آیات در سوره»، «بلاغت و رسایی معنا و هماهنگی معانی قرآن با مقتضای حال» برخی از دلایل پذیرش این تناسب است. افزون بر اینکه پرورش انسان‌ها که هدف اصلی و کلان قرآن

است، اقتضا می کند قرآن همچون سخنرانی که با مطالبی متنوع، اما هدفمند به دنبال تأثیر تربیتی در مخاطبان خود است، از سخنان در مواضع گوناگون برای ایجاد تحول در فرد و جامعه بهره گیرد (بهجت پور، ۱۳۹۲، ص ۷۶)؛ همان طور که برخی مفسران، غرض یک سوره را محور اصلی ارتباط بین مطالب سوره دانسته اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۶) و معتقدند با پذیرش غرض واحد برای سوره، همه بخش های یک سوره حتی در صورتی که در مراحل مختلفی نازل شده باشد، از انسجام و هماهنگی برخوردارند.

۲-۵. عدم تعارض تفسیر تنزیلی با توقیفیت آیه ها و سوره ها در مصحف رسمی

درباره توقیفی بودن آیات قرآن، حضور مستقیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فرایند ثبت و تدوین مجموعه آیات هر سوره، چنان شهرت دارد که برخی ادعای اجماع کرده اند (سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۱)، به نحوی که تفسیر معتبر در ترتیب نزول، تفسیری است که در آن چنین آیات تغییر نکند و این مبنای کار مفسر باشد، هر چند به جابه جایی احتمالی آیات توجه دارد (بهجت پور، ۱۳۹۲، ص ۱۳۶)؛ اما بر سر توقیفی بودن سوره های قرآن بین دانشمندان اختلاف نظر وجود دارد. برخی صاحب نظران معتقدند چنین سوره های قرآنی آن گونه که امروز در مصاحف وجود دارد، توقیفی است. برخی دیگر بر این باورند که ترتیب سوره ها طبق سلیقه اصحاب و طول سوره ها صورت گرفته است. برخی دیگر معتقدند تا زمان حیات حضرت رسول صلی الله علیه و آله آیات ثبت و بعد از ایشان تدوین و پردازش شده اند. طبق گفته شیعه و سنی، یکی از اصحابی که به این امر اقدام کرد، حضرت علی علیه السلام بود که منقول است حضرت دو مصحف در اختیار مردم قرار داد: یک مصحف سه روز پس از ارتحال پیامبر صلی الله علیه و آله که تألیف نوشته های موجود در منزل پیامبر صلی الله علیه و آله بود و مصحف دیگر که شش ماه پس از رحلت حضرت که حاوی شرح و توضیحات متناسب بود و نزد اهل بیت علیهم السلام قرار دارد. دلیلی بر اینکه مصحف امام علی علیه السلام طبق مصحف کنونی باشد، وجود ندارد، بلکه اجماع مرکب وجود دارد که مصحف امام علی علیه السلام بر ترتیبی غیر از ترتیب فعلی بوده و همین اجماع دلیل بر توقیفی نبودن ترتیب سوره ها در مصحف فعلی است. نهایت اینکه عمل صحابه در منظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشان

از عدم اصرار آن جناب بر پیروی از ترتیبی خاص در تدوین سوره‌های قرآن دارد. محقق در رویه تنزیلی بر این باور است که حتی در صورت پذیرش توقیفی بودن سوره‌ها، تفسیر به ترتیب نزول منافاتی با آن ندارد و می‌تواند شکل ظاهری قرآن طبق مصحف رسمی باشد و کشف گام‌های تحول جامعه اسلامی براساس ترتیب نزول. افزون بر اینکه تبلیغ حضرت به‌طور قطع طبق ترتیب نزول آیات و سوره‌ها بوده و طبق آیات ۱۷-۱۸ سوره قیامت «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ﴿۱۷﴾ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ» پیامبر ﷺ مأموریت داشت تا آیات و سوره‌ها را در هر مرحله که دریافت می‌کند، بر مردم بخواند.

۲-۶. گفتاری بودن کلام قرآن

کلام قرآن، گفتاری است نه نوشتاری. از ویژگی‌های کلام گفتاری، این است که در کلام گفتاری، ذهنیت مخاطب همچون تردیدها، باورها، میزان اشتیاق یا ادبار، درجه فهم و... لحاظ می‌شود. از دیگر ویژگی‌های کلام گفتاری، اتکا به قرائن حالیه و مقامیه هنگام سخن و ضرورت نداشتن ذکر آنها همچنین توجه به وقایع حین گفتار است. تنزل کلام در حد فهم عام‌ترین مخاطب و در عین حال لحاظ کردن مخاطب با فهم بالا از دیگر ویژگی‌های کلام گفتاری است. ضروری است گوینده حکیم ظرفیت‌های متفاوت مخاطبان را در نظر بگیرد و کلامش چند لایه باشد و برای این امر ناگزیر از تشبیه، کنایه، استعاره، مجاز، تمثیل و... است. از طرفی دیگر زبان قرآن، عرفی است؛ به این معنا که زبانی علمی و رمزی نبوده و برای عرب هم‌عصر دوران رسالت، قابل فهم و درک بوده است تا ادعای گنگ بودن آیات نشود. در عین حال قرآن همچون سایر علوم برای انتقال مطالب عمیق و والای خود دارای اصطلاحات خاص خود است تا با کمک آن اصطلاحات، مفاهیمی را که در قالب عبارات عادی نمی‌گنجد، منتقل کند. استاد معرفت معتقد است قرآن همانند هر صاحب اصطلاحی زبان ویژه خود را دارد و از واژه‌ها و تعبیراتی استفاده می‌کند که در سایر لغات و عرف‌ها به کار نرفته و مخصوص خود قرآن است (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۹۹).

محقق تنزیلی بر این باور است که فهم قرآن از طریق آشنایی با زبان قرآن میسر

است و این مهم با تأمل در ترتیب نزول صورت می‌پذیرد؛ زیرا چه بسا یک واژه یا اصطلاح خاص قرآنی، معنای واحدی از ابتدای نزول تا به انتهای آن نداشته و ابتدا در یک معنا به کار رفته باشد که از معنای نهایی آن متفاوت باشد؛ برای نمونه تقوایی که در ابتدای نزول مد نظر قرآن است، به خویشتن‌داری فردی و رعایت ضابطه و قانون‌هایی عقلی بسنده کرده و شامل اقامه نماز یا انفاق نمی‌شود؛ زیرا در آن زمان هنوز امری متوجه موارد مذکور نشده بود. این در حالی است که در برخی موارد مفسران دچار سردرگمی شده و به جای تفکیک مصادیق و مرادهای تقوا به حقیقت و مجاز در معنا روی آورده‌اند. مشابه این اشتباهات در تفسیر ابن کثیر (ج ۸، ص ۲۶۳)، تفسیر مراغی (مراغی، ۱۴۲۲ق، ج ۲۹، ص ۱۱۲) مشاهده می‌شود؛ بنابراین تدقیق در سیر نزول برای فهم بهتر زبان قرآن نه تنها مؤثر بوده، بلکه برای شناخت معنای درست واژه‌ها و مراد جدی خداوند حکیم ضروری است (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۸۱).

۳. تحلیل

«عدم مشروعیت تفسیر به ترتیب نزول»، «عدم تأثیر ترتیب نزول در فهم مراد الهی»، «عدم اطمینان به ترتیب سوره‌ها»، «تغییر قرآن»، «دشواری یافتن محور اصلی هر سوره» از جمله مواردی است که در این بخش از نظر می‌گذرد.

۳-۱. عدم مشروعیت تفسیر به ترتیب نزول

عدم مشروعیت تفسیر به ترتیب نزول از مهم‌ترین نقدهای وارد بر این رویه تفسیری است. به عقیده برخی استادان به شیوه تبلیغی و تعلیمی پیامبر ﷺ در مبنای ترتیب نزول در تعلیم و تربیت، زمانی صحیح است که ابتدا تمام قرآن نازل شود، سپس حضرت طبق ترتیب نزول به تبیین آیات الهی پردازد؛ اما زمانی که تعلیم هم‌زمان با نزول صورت می‌گیرد، چنین استدلالی تمام نیست؛ زیرا حکمت اقتضای تدریجی بودن نزول آیات را داشته و هر راهی جز این خلاف حکمت پروردگار بوده است. اصولاً تعلیم‌ها مستند به زمان نزول نبوده است؛ به این معنی که وقتی پیامبر ﷺ در مدینه به تفسیر آیات مکی

می‌پرداخت، به ترتیب نزول اشاره نمی‌فرمود. افزون بر اینکه ثبت برخی آیات قرآن خلاف ترتیب نزول نشان از مبنانبودن ترتیب نزول دارد (جواهری، ۱۳۹۸، ص ۱۰۷).

در استناد به مصحف حضرت امیر علیه السلام نیز اشکالاتی وارد شده است. اول اینکه برای اثبات به ترتیب نزول بودن مصحف حضرت به آرای علما توسل شده است که این طریق قابل استناد نیست. دوم اینکه روایاتی وجود دارد که نشان از تطابق مصحف حضرت با سایر مصاحف دارد. سوم اینکه بر فرض پذیرش تطابق مصحف حضرت با ترتیب نزول این تطابق در ناحیه سوره‌ها قابل قبول است و ارتباطی به آیات ندارد (جواهری، ۱۳۹۸، ص ۱۱۰).

اشکالات وارد شده قانع کننده نیست. اینکه همزمانی تعلیم با نزول، دلیلی بر بی‌اعتباری تنزیل به ترتیب نزول دانسته شود، نشان از تام‌نبودن استدلال دارد؛ چراکه خداوند حکیم این ترتیب را در نزول آیات الهی برای تأثیر بیشتر بر بندگانش مصلحت دانسته و این امر غیر قابل انکار است. دوم اینکه همین که سیر تحول فرهنگ جاهلی به این ترتیب چیده شده، از اهمیت این شیوه خبر می‌دهد و لزومی بر تأکید یا تصریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیست. در پاسخ اشکال بعد توجه به این نکته ضروری است که ثبت آیات برخلاف تنزیل در آیات نادری رخ داده و نشان از مصلحتی بالاتر دارد و این امر از اهمیت ترتیب نزول نمی‌کاهد. در کاربرست تفسیر به ترتیب نزول در سیره ائمه علیهم السلام به خصوص مصحف حضرت علی علیه السلام استدلال طرفداران این شیوه متقن تر است و اهتمام اهل بیت علیهم السلام به حفظ این مصحف و تأسف از عدم پذیرش آن از سوی صحابه نشان از تفاوت این مصحف با سایر مصاحف و ارزشمندی آن دارد. افزون بر اینکه روایاتی وجود دارند که می‌گویند مصحف حضرت علی علیه السلام به ترتیب نزول است و این گونه نیست که این مطلب تنها از طریق علما مطرح شده باشد (اخوان، ۱۳۹۵، ص ۱۸۳)؛ برای مثال در روایتی به نقل از جابر از امام باقر علیه السلام این گونه آمده است: «... عن جابر قال سمعت ابا جعفر يقول: ما ادعی احد من الناس انه جمع القرآن كله كما انزل إلا کذاب و ما جمعه و حفظه كما نزله الله تعالی إلا علی بن ابی طالب و الائمة من بعده؛ هیچ کس از مردم

نمی‌تواند ادعا کند که وی همه قرآن را آن‌گونه که نازل شده، گردآورده است، مگر اینکه کذاب است و کسی آن را جمع‌آوری نکرده و حافظ آن نیست، مگر علی بن ابی طالب و امامان پس از ایشان» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۴۱).

۳-۲. عدم تأثیر ترتیب نزول در فهم مراد الهی

برخی منتقدان رویه تنزیلی معتقدند ترتیب سوره‌ها در مقاصد عالیه قرآن تأثیری ندارد و فقدان آن در کلیات مطالب آن خللی وارد نمی‌کند؛ زیرا لازمه جهانی و ابدی بودن کلام الهی این است که خصوصیات زمان و مکان و شرایط و اسباب نزول در آن تأثیری نگذارد. افزون بر اینکه مخالفت نکردن حضرت علی علیه السلام و ائمه هدی علیهم السلام با قرآن موجود و استناد ایشان به آن و ترغیب شیعیان به پیروی از قرائت مردم نشان از اعتبار مصحف موجود دارد و تفسیر به ترتیب نزول ضرورتی ندارد (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۷۳). اگر قرآن به ترتیب زمان نزول طبق آنچه مدعیان تنزیلی ادعا می‌کنند، در درک مراد الهی تأثیر اساسی داشته و مد نظر حضرت رسالت باشد، سکوت اهل بیت علیهم السلام به عنوان پرچم‌های هدایت دین جایز نخواهد بود. علامه طباطبایی در این باره بر این باور است که مخالفت نکردن حضرت علی علیه السلام با وجود آنکه خود پیش از آن قرآن را به ترتیب نزول جمع‌آوری کرده بود، از این جهت است که آنچه نزد اهل بیت علیهم السلام اعتبار دارد، تفسیر قرآن به قرآن است و در این روش ترتیب سوره‌ها و مکی و مدنی بودن آیات در مقاصد عالی قرآن تأثیری جز در ناحیه روشن شدن تاریخ پیدایش معارف و احکام و قصص جزئی که مقارن نزول بوده‌اند و چگونگی پیشرفت دعوت اسلامی در مدت ۲۳ سال روزگار بعثت و نظایر آن نداشته و حفظ وحدت اسلامی از این فواید جزئیة بالاتر است (طباطبایی، ۱۴۲۰ق، صص ۱۳۲-۱۳۳).

در پاسخ به اشکال بالا توجه به این نکته راهگشا است که ارجاع ائمه هدی علیهم السلام به مصحف موجود به دلیل مصلحتی بالاتر صورت گفت که آن حفظ وحدت اسلامی بود و ارجاع به مصحف موجود به معنای منع از تفسیر به ترتیب نزول نیست. مؤید این مطلب

وجود غلط‌های رسم‌الخطی و برخی تناقضات املائی در قرآن موجود (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۷۴) در کنار ارجاع اهل بیت به همین قرآن است. به یقین ارجاع اهل بیت به معنای درست دانستن رسم‌الخط موجود نیست. در حقیقت امامان معصوم به وجود چنین اشکالاتی در قرآن رضایت ندارند؛ اما سکوت آنان برای مصالح بالاتر است، تا مبدا به بهانه اصلاح خطاهای رسم‌الخط، تحریف در این متن ایجاد شود. فرمایش علامه مربوط به ارجاع مردم توسط اهل بیت علیهم‌السلام به مصحف رسمی، جای انکار ندارد، بلکه مصلحت اسلامی و وحدت آنها بر گرد قرآن چنین ارجاعی را اقتضا می‌کند؛ اما این به معنای بی‌اهمیتی تفسیر به ترتیب نزول نیست؛ چه اینکه از صدر اسلام تاکنون مفسران و محققان مسلمان روایات مختلفی از اهل بیت علیهم‌السلام در باب ترتیب نزول، اسباب نزول، مکی و مدنی بودن، ناسخ و منسوخ بودن بیان کرده‌اند که نشان از تأثیر جایگاه سوره‌ها در تفسیر دارد؛ به عبارت دیگر گرچه معصومان علیهم‌السلام مصحف موجود را رد نکرده‌اند، در مقام پاسخگویی به بسیاری از سؤالات به ترتیب نزول توجه داده‌اند. این مطلبی است که روایات «لو انزل القرآن» که شرح آن گذشت، آن را تأیید می‌کند. افزون بر اینکه برخی علمای بزرگ ذیل روایت مذکور تفاوت کار حضرت علی علیه‌السلام را با سایر صحابه در شیوه جمع‌آوری حضرت که به ترتیب نزول بوده دانسته‌اند و معتقدند این ترتیب نزول برای حاضران عصر رسالت قابل مشاهده بوده است (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۰۳)؛ امری که حضرت در مقام مباهات و بیان عمق آشنایی خود با قرآن بدان اشاره می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۰، ص ۱۳۹). بالاتر آنکه برخی صاحب‌نظران ادعا کرده‌اند تفسیرنگاری طبق ترتیب نزول مورد نظر ائمه اطهار علیهم‌السلام بوده است (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۱۸۴).

۳-۳. عدم اطمینان به ترتیب سوره‌ها

یکی از اشکالات اساسی که بر این رویه وارد شده، غیرقابل اعتماد بودن طریق به‌دست‌آوردن ترتیب سوره‌ها است، حال چه از طریق روایات باشد، چه از طریق اجتهاد. اگر از راه روایت باشد، روایاتی که در ترتیب نزول سوره‌ها وارد شده از اخبار واحد و دارای اشکالات سندی‌اند و موارد اختلافی در این دسته فهرست‌ها و روایات

حتی روایت‌هایی که از حضرت علی علیه السلام نقل شده، بسیارند و اطمینان‌آور نیستند (فرشچیان، ۱۳۸۸، ص ۹۵). شهرستانی در مقدمه مفاتیح‌الاسرار به پنج فهرست اشاره کرده که یکی از آنها منتسب به امام صادق علیه السلام است (شهرستانی، ۱۳۷۶، صص ۱۷-۱۹). برخی دیگر از محققان تا هفده فهرست را گردآورده‌اند (رامیار، ۱۳۶۲، ص ۶۸۶). اگر از طریق اجتهاد باشد، اجتهادات شخصی از گزند خطا در امان نیست و یقین‌آور نمی‌باشد.

به نظر می‌رسد با بهره‌گیری از برخی روایات که سند معتبرتری دارند و حل کردن موارد اختلافی آنها از طریق تطبیق روایات بتوان در صد خطا را به حداقل رساند. همان‌طور که برخی صاحب‌نظران با تلفیق روایات و جداول وارد شده با اجتهاد به ترتیبی دست یافته‌اند که امروزه بسیاری از محققان از آن بهرمنند می‌شوند (ر.ک: بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۲۵۲). ممکن است ترتیب مذکور یا جداول مشابه به‌طور کامل بی‌نقص نباشند و احتیاج به تنقیح مبانی و بازبینی جدی و کار مضاعف داشته باشند، ولی کنار گذاشتن یک رویه که بهره‌های فراوانی به دنبال دارد، به دلیل احتمال خطای جزئی از دوراندیشی فاصله دارد.

۳-۴. تغییر قرآن

برخی از اهل نظر، تفسیر به ترتیب نزول را به معنای جواز تغییر در قرآن موجود دانسته و در مشروعیت آن تردید کرده‌اند، به‌خصوص اینکه ائمه هدی علیهم السلام با قرآن موجود مخالفت نکرده و در بیانات خویش بدان استناد کرده‌اند. بالاتر آنکه ایشان نه تنها نزد خواص خود در اعتبار قرآن موجود خللی وارد نکردند، بلکه شیعیان خود را به پیروی از قرائت رایج میان مردم امر می‌کردند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۷۳). قائلان به توقیفی بودن ترتیب آیات و سوره‌ها بر این باورند که چنین حاضر در مصحف موجود مد نظر شارع مقدس است و به راهنمایی پیامبر صلی الله علیه و آله و در پی حکمتی صورت پذیرفته است، هرچند از آن آگاه نباشیم (سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۷۷؛ دروزه، ۱۳۸۳ق، ج ۶، ص ۱۲۶؛ شرقاوی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۳). فخر رازی از طرفداران این دیدگاه، بیشتر لطائف قرآن را در ترتیب و روابط آیات و سوره‌ها نهفته می‌داند تا جایی که از ویژگی‌های بارز تفسیرش اشاره به

مناسبات آیات و سوره‌های قرآن است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۱۴۰). بنا بر این دیدگاه، ترتیبی که هنگام نزول ایجاد شده به دلیل مناسبات خاص است و هر مناسبت مستلزم نزول آیاتی است و بعد از آن کارایی ندارد، بلکه رهنز است و مستلزم تغییر قرآن است و برای درک هر چه بهتر کلام الهی توجه به ترتیب مصحف موجود، ضروری است.

در پاسخ این اشکال برخی صاحب‌نظران این طور گفته‌اند که جواز تفسیر موضوعی به معنای جواز تدوین قرآن موضوعی و مخالفت با قرآن رسمی مسلمانان نیست. رویه تنزیلی نیز به معنای تغییر قرآن موجود نیست (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۳۶). به‌رحال این نکته قابل انکار نیست، طریقی که حضرت حق به‌عنوان خالق سرشت انسان‌ها برای نهاده‌سازی آموزه‌های قرآنی در پیش گرفته، کامل‌ترین و مؤثرترین شیوه‌ها است و فهم آن از طریق تفسیر تنزیلی میسر است.

۳-۵. دشواری یافتن محور اصلی هر سوره

یکی از مبانی مفسر تنزیلی انسجام و تناسب آیات و سوره‌ها با یکدیگر است. یافتن محور اصلی هر سوره به‌خصوص در سوره‌های بلند، کار آسانی نیست. عناوین کلی چون توحید و معاد که در بیشتر سوره‌ها مشاهده می‌شوند، راهگشا نیستند؛ برای نمونه سعید حوی محور اصلی سوره نساء و سوره هود را آیه ۲۱ سوره بقره می‌داند. با این تفاوت که سوره نساء بر «تقوا» و سوره هود بر «عبادت ربّ» تمرکز دارد (حوی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۲۵۲۵). ضمن اینکه پراکندگی موضوعات مطرح در سوره‌های بلند، مانع تعیین موضوع واحد برای سوره است (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۸۵). همچنین یافتن محورهای اصلی متفاوت برای سوره واحد، نشان از تأثیر ذوق و استحسان در این امر و بی‌اعتباری آن دارد؛ چنان که محور اصلی سوره هود را سید قطب آرامش‌بخشی بر پیامبر (قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۹۰)، بقاعی، احکام و تفصیل (بقاعی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۴۹۸)، طباطبایی، توحید (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۳۶)، عبدالعلی بازرگان، سرنوشت امت‌های مجرم (بازرگان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۳۵) و سعید حوی، عبادت می‌داند (حوی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۲۵۷۰). یافتن مناسبات بین آیات نیز جز با تکلف میسر نیست و اهل بلاغات آن را بر نمی‌تابند؛ برای نمونه بقاعی

برای یافتن مناسبت آیه ۱۲۱ سوره آل عمران به اعتراف خود او ماه‌ها وقت صرف کرده است (بقاعی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۸).

با توجه به حکیمانانه بودن ترتیب نزول آیات و توقیفی بودن آنها همچنین بلاغت و رسایی آن، تناسب بین آیات و سوره‌ها دور از انتظار نیست. افزون بر اینکه تربیت انسان‌ها به عنوان هدف اصلی قرآن اقتضا دارد که قرآن در عین مطالب متنوع به صورت هدفمند به دنبال تأثیر تربیتی در مخاطبان خود باشد. ضمن آنکه برخی مفسران برای هر سوره وحدت موضوع قائل‌اند و غرض هر سوره را محور اصلی آن دانسته‌اند که بین مطالب سوره حتی زمانی که در مراحل مختلف نازل شده باشند، ارتباط و همبستگی ایجاد می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۶).

نتیجه‌گیری

۱. یکی از رویه‌های مطرح در سبک تفسیر موضوعی که در عصر حاضر به شکوفایی رسیده و نظر محققان را به خود جلب کرده، رویه تنزیلی از سبک تفسیر موضوعی است. این رویه که مدعی کشف گام‌های مورد نیاز در نهادینه کردن ارزش‌های اسلامی و ایجاد تحول فرهنگی است، بر مبانی و پیش‌فرض‌هایی استوار است که شالوده و اصول موضوعه آن را تشکیل می‌دهد.

۲. اولین و مهم‌ترین پیش‌فرض محقق تنزیلی «مشروعیت و جواز» این رویه است که بر «تدرج‌محور بودن تربیت» و «کار بست تنزیلی» در کلام و فعل معصوم ص استوار است. «امکان دستیابی به ترتیب نزول» دومین مبنای محقق تنزیلی پس از جواز و مشروعیت این رویه تفسیری است. از دیگر مبانی محقق تنزیلی «حکیمانانه بودن قرآن در محتوا و روش» است که بی‌توجهی به آن محرومیت از شناخت نحوه ارائه معارف الهی را به دنبال دارد. «انسجام آیات و سوره‌ها» از دیگر مبانی اصلی محقق تنزیلی است. او معتقد است از طریق ترتیب نزول می‌توان به این انسجام دست یافت. «عدم تعارض تفسیر تنزیلی با قول توقیفیت آیات و سوره‌ها در مصحف رسمی» از دیگر پیش‌فرض‌های ذهنی محقق تنزیلی است. این پیش‌فرض درحقیقت رد تصور مغایرت

تفسیر تنزیلی با توقیفی بودن آیات و سوره‌ها است که از دید محقق تنزیلی مغایرتی در این بین مشاهده نمی‌شود. «گفتاری بودن کلام قرآن» آخرین مبنایی است که در این مختصر بررسی شده است. محقق تنزیلی در این مبنا گفتاری بودن کلام قرآن را مستلزم توجه به ترتیب نزول آیات می‌داند.

۳. در مقام ارزیابی کلی مبانی مطرح‌شده به نظر می‌رسد تفسیر به ترتیب نزول نه تنها خدشه‌ای به محتوای قرآن موجود وارد نمی‌کند، بلکه اطلاعات بیشتری در اختیار محقق قرار می‌دهد و درک بالاتری برای او به ارمغان می‌آورد. با توجه به حکیمانانه بودن افعال الهی اینکه حضرت حق سیری را در ابلاغ آموزه‌های دینی به مردم در نظر گرفته، قابل تأمل است و می‌تواند راهنمایی برای عملیاتی کردن معارف الهی باشد. همان‌طور که تأیید مصحف موجود توسط اهل بیت علیهم‌السلام به دلیل یکسان بودن محتوای آن مورد پذیرش است، تمسک به ترتیب نزول نیز به دلیل پاسخگو بودن ایشان طبق آن جایز است و صرف گرفتن اطلاعاتی اضافی که موجب درک بالاتر معارف قرآنی می‌شود، نباید موجب طرد آن شود که در غیر این صورت ثمری جز محروم ماندن از قسمتی از معارف ندارد.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن ماجه، محمد بن یزید. (۱۴۱۸ق). سنن ابن ماجه (ج ۱). بیروت: دارالجليل.
۲. اخوان، محمد. (۱۳۹۵). نقدي بر مقاله «نگاهی به تفسیر قرآن براساس ترتیب نزول». مطالعات تفسیری، ۷(۲۵)، صص ۱۷۵ - ۱۹۰.
۳. بازرگان، عبدالعلی. (۱۳۷۵). نظم قرآن (ج ۱). تهران: قلم.
۴. بازرگان، مهدی. (۱۳۶۵). سیر تحول قرآن. تهران: انتشارات کلمه.
۵. بازرگان، مهدی. (۱۳۷۴). یا به پای وحی: تفسیر تدبری قرآن بر حسب نزول. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۱ق). صحیح البخاری (ج ۲). بیروت: دارالفکر.
۷. بقاعی، ابراهیم بن عمر. (۱۴۲۷ق). نظم الدرر فی تناسب الآی و السور (ج ۱ و ۳، چاپ سوم). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۸. بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۹۲). تفسیر تنزیلی، مبانی، اصول، قواعد و فوائد. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. بهروزی لک، غلامرضا؛ رنجبر، محمدرضا. (۱۳۹۷). فرآیند دولت‌سازی نبوی در سوره‌های مکی مبتنی بر تفسیر تنزیلی. مجله سیاست متعالیه، (۲۱)، صص ۷-۲۴.
۱۰. بهروزی لک، غلامرضا؛ رنجبر، محمدرضا. (۱۳۹۷). فرآیند دولت‌سازی نبوی در نخستین سوره مدنی براساس تفسیر تنزیلی. مجله پژوهش‌های سیاست اسلامی، (۱۳)، صص ۳۵-۵۸.
۱۱. جواهری، محمدحسن. (۱۳۹۸). قرینه زمان نزول و خطای راهبردی در فهم مفسر. فصلنامه ذهن، ۲۰(۸۰). صص ۹۷-۱۲۵.
۱۲. حکیم، سیدمحمدباقر. (۱۴۲۵ق). علوم القرآن. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۱۳. حوی، سعید. (۱۴۱۲ق). الاساس فی التفسیر (ج ۵). قاهره: دارالاسلام.
۱۴. دروزه، محمدعزت. (۱۳۸۳ق). التفسیر الحدیث (ج ۳، ۶ و ۱۱). قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.

۱۵. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۲۵). لغت نامه (ج ۱۲). تهران: مجلس شورای ملی.
۱۶. رایبیز، استیفن. (۱۳۸۴). تئوری سازمان (مترجمان: سیدمهدی الوانی و حسن دانایی فرد، چاپ دهم). تهران: صفار.
۱۷. رامیار، محمود. (۱۳۶۲). تاریخ قرآن. تهران: امیرکبیر.
۱۸. سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۳۸۳). منشور جاوید قرآن (ج ۱). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۹. سیوطی، جلال الدین. (بی تا)، الالتقان فی علوم القرآن (ج ۱ و ۲). بیروت: دارالمعرفه.
۲۰. شرقاوی، احمد بن محمد. (۱۴۲۵ق). موقف الشوکانی فی تفسیره من المناسبات (ج ۱). مصر: جامعه الازهر.
۲۱. شهرستانی، محمد عبدالکریم. (۱۳۷۶). مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار (مترجم: محمد علی آذرشب). تهران: دفتر نشر مکتوب.
۲۲. شوکانی، محمد بن علی. (۱۴۱۴ق). فتح الغدیر (ج ۱). بیروت: دارالکلم الطیب.
۲۳. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱ و ۱۳، چاپ پنجم). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۴. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۲۰ق). قرآن در اسلام (ج ۳). قم: لوح محفوظ.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۶، محقق: جواد بلاغی). تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۶. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین (ج ۴، محقق: سیدهاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم). قم: انتشارات اسماعیلیان.
۲۷. عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). تفسیر عیاشی (ج ۱). تهران: چاپخانه علمیه.
۲۸. غلامی، عبدالله. (۱۳۹۱). مطالعه و بررسی خلافت در قرآن به سبک تفسیر تنزیلی. پژوهشنامه معارف قرآنی، (۱۰)، صص ۱-۱۸.
۲۹. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب) (ج ۱۰). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۰. فرشچیان، رضا. (۱۳۸۸). نقدی بر تفسیر به ترتیب نزول. پژوهش دینی، (۱۹)، صص ۸۹-۱۰۲.
۳۱. فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۰۶ق). الوافی. اصفهان: کتابخانه امام علی علیه السلام.

۳۲. قطب، محمد. (۱۴۱۲ق). فی ظلال القرآن (ج ۱، چاپ هفدهم). بیروت: دارالشروق.
۳۳. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷). تفسیر قمی (ج ۲، محقق: سیدطیب موسوی جزایری، چاپ چهارم). قم: دارالکتب.
۳۴. قمی مشهدی، محمدرضا. (۱۴۲۳ق). کنز الدقائق و بحر الغرائب (ج ۷). قم: دارالغدیر.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۱، ۲ و ۵، محققان و مصححان: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. کونتز، هارولد؛ اوردانل، سیریل و ویرییچ، هینز. (۱۳۷۹). اصول مدیریت (مترجم: محمدهادی چمران). تهران: انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف.
۳۷. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). بحارالانوار الجامعه الدرر الاخبار الاثمه الاطهار علیه السلام (ج ۱، ۲، ۴۰ و ۸۹). بیروت: مؤسسه الوفاء.
۳۸. مراغی، احمد بن مصطفی. (۱۴۲۲ق). تفسیر المراغی (ج ۲۹). بیروت: دارالفکر.
۳۹. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۲). قرآن‌شناسی (ج ۲، محقق و نگارنده: غلامعلی عزیزی کیا). قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
۴۰. معرفت، محمدهادی. (۱۳۷۹). تفسیر و مفسران (ج ۱). قم: التمهید.
۴۱. معرفت، محمدهادی. (۱۴۱۵ق). التمهید فی علوم القرآن (ج ۱). قم: مؤسسه نشر الاسلامی.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۴). پیام قرآن: روش تازه‌ای در تفسیر موضوعی قرآن. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۸۰). تفسیر نمونه (ج ۱۲). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۴. نعمانی، محمدابراهیم. (۱۳۹۷ق). الغیبه. تهران: مکتبه الصدوق.
۴۵. نکونام، جعفر. (۱۳۸۰). درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن. تهران: هستی نما.
۴۶. نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل (ج ۳). قم: مؤسسه آل‌البتیة لاحیاء التراث.
۴۷. نیازمند، سیدرضا. (۱۳۹۰). شرحی بر قرآن به ترتیب نزول. اصفهان: انتشارات بنی هاشم.

References

* The Holy Quran.

1. Akhawan, M. (1395 AP). A review on the article "Looking at the interpretation of the Qur'an based on the order of descent". *Interpretive Studies*, 7(25), pp. 175-190. [In Persian]
2. Arousi Howeizi, A. (1415 AH). *Tafsir Noor al-Saghalin* (Vol. 4, Rasouli Mahalati, S. H, Ed., 4th ed.). Qom: Ismailian Publications. [In Arabic]
3. Ayashi, M. (1380 AH). *Tafsir Ayashi* (Vol. 1). Tehran: Ilmiya Printing House. [In Arabic]
4. Baqa'i, I. (1427 AH). *Nazm al-Dorar Fi Tanasob al-Ai va al-Soor*. (Vols. 1, 3, 3rd ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah. [In Arabic]
5. Bazargan, A. (1375 AP). *The order of the Qur'an* (Vol. 1). Tehran: Qalam. [In Persian]
6. Bazargan, M. (1365 AP). *The course of evolution of the Qur'an*. Tehran: Kalameh Publications. [In Persian]
7. Bazargan, M. (1374 AP). *Step to step with revelation: Interpretation of the Qur'an according to revelation*. Tehran: Islamic Culture Publishing House. [In Persian]
8. Behjatpour, A. (1392 AP). *Revelational interpretation, basics, principles, rules and benefits*. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought. [In Persian]
9. Behruzi Lak, Q. R., & Ranjbar, M. R. (1397 AP). The process of prophetic state building in Makki surahs based on Tanzili interpretation. *Transcendental Politics Journal*, (21), pp. 24-7. [In Persian]
10. Behruzi Lak, Q. R., & Ranjbar, M. R. (1397 AP). The process of prophetic state building in the first Surah Madani based on Tanzili interpretation. *Journal of Islamic Political Research*, (13), pp. 58-35. [In Persian]
11. Bukhari, M. (1401 AH). *Sahih al-Bukhari* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic]
12. Darozeh, M. E. (1383 AH). *Al-Tafsir Al-Hadith* (Vols. 3, 6, 11). Cairo: Dar Ihya Al-Kotob al-Arabiya. [In Arabic]
13. Dehkhoda, A. A. (1325 AP). *The Dictionary* (Vol. 12). Tehran: National Council. [In Persian]

14. Fakhr Razi, M. (1420 AH). *Al-Tafseer Al-Kabir* (Vol. 10). (*Mufatih al-Ghayb*). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
15. Farshchian, R. (1388 AP). A critique on the interpretation in descending order. *Religious Research*, (19), pp. 89-102. [In Persian]
16. Feiz Kashani, M. M. (1406 AH). *Alwafi*. Isfahan: Imam Ali library. [In Arabic]
17. Gholami, A. (1391 AP). Studying and examining the caliphate in the Qur'an in the style of revelational interpretation, *Research Journal of Qur'anic Studies*, (10), pp. 18-1. [In Persian]
18. Hakim, S. M. B. (1425 AH). *Sciences of the Qur'an*. Qom: Majma' al-Fikr al-Islami. [In Arabic]
19. Hawi, S. (1412 AH). *Al-Asas fi al-Tafseer* (Vol. 5). Cairo: Dar al-Islam. [In Arabic]
20. Ibn Majeh, M. (1418 AH). *Sunan Ibn Majeh* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Jail. [In Arabic]
21. Javaheri, M. H. (1398 AP). Correlation of descent time and strategic error in the interpreter's understanding. *Journal of Mind*, 20(80), pp. 125-97. [In Persian]
22. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi*. (Vols. 1, 2, 5, Ghafari, A. A., & Akhundi, M, Ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Arabic]
23. Koontz, H., & O'Donnell, C., & Weirich, H. (1379 AP). *Principles of Management*. (Chamran, M. H, Trans.). Tehran: Scientific Publications of Sharif University. [In Persian]
24. Majlesi, M. B. (1404 AH). *Bihar al-Anwar al-Jama'e al-Dorar al-Akhbar al-Imaam al-Atahar* (Vols. 1, 22, 40, 89). Beirut: Al-Wafa Institute. [In Arabic]
25. Makarem Shirazi, N. et al. (1374 AP). *The Message of the Qur'an: A new method in the thematic interpretation of the Qur'an*. Qom: Imam Ali Bin Abi Talib School. [In Persian]
26. Makarem Shirazi, N. et al. (1380 AP). *Tafsir Nemouneh* (Vol. 12). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Persian]
27. Maraghi, A. (1422 AH). *Tafsir al-Maraghi* (Vol. 29). Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic]
28. Marefet, M. H. (1379 AP). *Tafsir and commentators* (Vol. 1). Qom: Al-Tamhid. [In Persian]
29. Marefet, M. H. (1415 AH). *Al-Tamhid fi Ulum al-Qur'an* (Vol. 1). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
30. Misbah Yazdi, M. T. (1392 AP). *Quranic studies* (Vol. 2, Azizikia, Q. A, Ed.). Qom: Imam Khomeini Institute. [In Persian]

31. Nekonam, J. (1380 AP). *An introduction to the dating of the Qur'an*. Tehran: Hasti Nama. [In Persian]
32. Niazmand, S. R. (1390 AP). *A commentary on the Qur'an in descending order*. Isfahan: Bani Hashem Publications. [In Persian]
33. Nomani, M. E. (1397 AH). *Al-Qaibah*. Tehran: Al Sadouq School. [In Arabic]
34. Nouri, M. H. (1408 AH). *Mustardak al-Wasail* (Vol. 3). Qom: AlulBayt le Ihya al-Torath Institute. [In Arabic]
35. Qomi Mashhadi, M. (1423 AH). *Kanz al-Daqaeq va Bahr al-Gharaib* (Vol. 7). Qom: Dar al-Ghadir. [In Arabic]
36. Qomi, A. (1367 AP). *Tafsir Qomi*. (Vol. 2, Mousavi Jazayeri, S. T, Ed., 4th ed.). Qom: Dar al-Kotob. [In Persian]
37. Qutb, M. (1412 AH). *Fi Zilal al-Qur'an*. (Vol. 1, 17th ed.). Beirut: Dar al-Shorouh. [In Arabic]
38. Ramyar, M. (1362 AP). *History of the Qur'an*. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
39. Robbins, S. (1384 AP). *Organization theory*. (Alwani, S. M., & Danaei Fard, H, Trans., 10th ed.). Tehran: Safar. [In Persian]
40. Shahreshtani, M. (1376 AP). *Mufatih al-Asrar va Masabih al-Abrar*. (Azarshab, M. A, Trans.). Tehran: Book publishing house. [In Persian]
41. Sharqawi, A. (1425 AH). *Mawquf al-Shokani fi Tafsiroh min al-Munasibat* (Vol. 1). Egypt: Al-Azhar Society. [In Arabic]
42. Shukani, M. (1414 AH). *Fath al-Ghadir* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Kalim al-Tayib. [In Arabic]
43. Sobhani Tabrizi, J. (1383 AP). *The Charter of the Holy Qur'an* (Vol. 1). Qom: Imam Sadiq Institute. [In Persian]
44. Soyouti, J. (n.d.), *Al-Itqan fi Olum al-Qur'an* (Vols. 1, 2). Beirut: Dar al-Ma'arif.
45. Tabarsi, F. (1372 AP). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. (Vol. 6, Balaghi, J. Ed.). Tehran: Nasser Khosro Publications. [In Persian]
46. Tabatabaei, S. M. H. (1417 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. (Vols. 1, 13, 5th ed.). Qom: Society of teachers of Qom Seminary. [In Arabic]
47. Tabatabai, S. M. H. (1420 AH). *Quran in Islam* (Vol. 3). Qom: Loh Mahfouz. [In Arabic]